

نشریه الکترونیکی کمیته
بین المللی علیه اعدام

علیه اعدام ۴۸

جمعه ۲۸ مهر ۱۳۸۵، ۲۰ اکتبر ۲۰۰۶

مجازات اعدام
شنیع ترین شکل
قتل عمد است

www.adpi.net

Tel:0046733684151

babakshadidi@yahoo.com

سر دبیر: بابک شادیدی



انسانگرایی پراتیک در آلمان

سمیناری در دانشگاه تکنیک برلین به دعوت سازمانهای سکولاریست آلمانی
مینا احدی یکی از سخنرانان این کنفرانس بزرگ است

به دعوت سازمان بین المللی بی مذهبان و آئیست ها و چهار سازمان آئیست دیگر، در روزهای ۲۰ تا ۲۲ اکتبر، سمینار بزرگی در شهر برلین برگزار میشود. موضوع این سمینار اومانیسیم پراتیک در آلمان است. با تیترا "هیچ چیز خوبی وجود ندارد، بجز اینکه این کار را انجام دهیم!" این سمینار به مباحث متعددی در رابطه با مذهب و سکولاریسم و راههای مقابله و مبارزه با مذهب می پردازد. سازمان بین المللی آئیست ها سخنرانان این جلسه را با چاپ یک کتاب به همه معرفی کرده است. در گروه کاری اول آموزش ارزشها در یک جامعه پلورال سخنرانان مانفرد ایسمیر، گرد آگرس، پتر کرایسل، کلودیا دانشک، چاپ شیت،

گروه کاری دوم: بگذار در مورد سکس و نقش مذهب در آن سخن بگویم! گیزلا نتس، سیلویا هیر، اینس شایبه، مینا احدی
گروه کاری سوم: فعالیتهای اجتماعی و انسانی کلیساها، میسابل بایویر وولف اتاین برگر،
گروه کاری چهارم: تصمیم فردی در رابطه با بیماری و مرگ- سخنرانان: گیتا نیومن دکتر اووه کریستین آرنولد
گروه کاری پنجم: شادی در مرکز زندگی، ریتا گوتوالد، آندریا ریچاو
سخنرانی و پانل پایانی میخائیل اشمیت سالمون، کارستن فرک، ولکر مولر
در این جلسه به مرکز عزیز نسنن جایزه سال اروین فیشر داده خواهد شد.
این کنفرانس در دانشگاه تکنیک برلین است و ورود برای عموم آزاد است.

کمیته بین المللی علیه سنگسار
۱۷ اکتبر ۲۰۰۶

کبرا رحمانپور باید
آزاد گردد
Kobra Rahmanpuor'a
özgürlük!

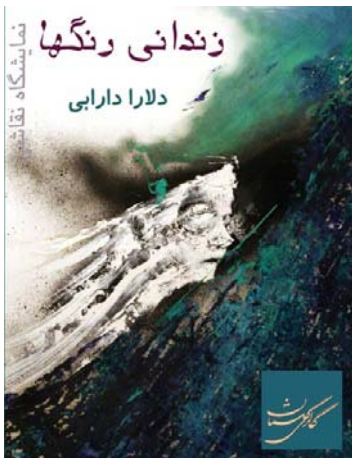


تیترا هفته نامه " قیزل بایراق "
چاپ ترکیه اینست: کبرا رحمانپور
باید آزاد شود!

در شماره 38 این هفته نامه که در ترکیه چاپ میشود، در مورد میتینگ اعتراضی در اسکی شهر ترکیه بر علیه حکم اعدام کبرا رحمانپور یک مطلب را مشاهده میکنیم.
در این هفته نامه نوشته شده که فعالین حزب کمونیست کارگری به همراه فعالین کمیته بین المللی علیه اعدام و

صفحه ۲

با ما به دیدار نمایشگاه عکس دلارا دارابی بیایید!



دلارای 20 ساله، نقاش و هنرمند جوان که در سلول مرگ نشسته است، با برپایی نمایشگاه عکس، یکبار دیگر برای نجات جان خود از دنیا استمداد می طلبد!

صفحه ۲



تصویب قطعنامه بر علیه سنگسار و اعتراض به حکم اعدام کبرا رحمانپور در کنفرانس جهانی زنان در دوسلدرف آلمان

صفحه ۴

اعدام عملی شنیع و ضد انسانی است!

از صفحه ۱

زنانی که به اعدام محکوم شده اند، اسم برده شده است. در مطلب مزبور همچنین از محکومیت به اعدام 16 جوان در اهواز صحبت شده و از همگان دعوت شده است که به این احکام ضد انسانی اعتراض کنند. این مطلب را میتوانید در سایت ملاحظه کنید.

http://www.kizilbayrak.org/2006/sikb.06.38/sayfa_30.html

کمیته بین المللی علیه اعدام
مفتخر است که کمپین نجات کبرا چنین ابعاد بین المللی

سازمان آزادی زن و همچنین سازمانهای ترکیه ای در یک میتینگ مشترک شرکت کردند. از ترکیه سندیکال معلمان، نمایندگان سازمانهای SDP, SES, EHP, EKD, KADER سوسیال دمکرات و همچنین نمایندگان خانه مردم " خلق ایوی" و نمایندگان نهاد Mucadele Birliği و SGD حضور داشتند. در ادامه مطلب، بیوگرافی کبرا رحمانپور نوشته شده و همچنین از دلارا دارابی و شهلا جاهد نیز بعنوان

پیدا کرده و باعث ایجاد همکاری و اتحاد عمل بین نهادهای مختلف مدافع حقوق انسانی شده است. جنبش برای نجات جان کبرا رحمانپور و محکومین به اعدام یک جنبش مهم با ابعادی بین المللی است که از ایتالیا تا ترکیه، از استرالیا تا سوئد و آلمان و از آمریکا تا اردن و پاکستان را در بر گرفته است.

کمیته بین المللی علیه اعدام
19 اکتبر 2006

دبیر کمیته بین المللی علیه اعدام
مینا احدی

تلفن:

۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴

۱۳

ای میل:

minaa-hadi@aol.com

سایت کمیته:

Www.adpi.net



دلارا فقط 17 سال داشت، وقتی زندانی شد و حکم اعدام گرفت. اکنون این دختر جوان سه سال را با کابوس و وحشت حلق آویز شدن و مرگ دست و پنجه نرم کرده و طبق نظر کسانی که با او ارتباط مداوم داشته اند، زیر فشار این بار سنگین خم شده است.

دلارا که بجرم قتل یک فامیل 65 ساله خود دستگیر شده است، در آغاز این اتهام را پذیرفته و قتل را به عهده میگیرد. سپس او اذعان میکند که بدلیل زیر سن قانونی بودن این قتل را به عهده گرفته تا مانع اعدام دوست خود امیر حسین شود. امروز دلارا دارابی با وجود اینکه مدارک کافی مبنی بر بی گناهی بودن او وجود دارد، کماکان در خطر اجرای حکم اعدام است. حکومت اسلامی ایران، از این دختر جوان، زندگیش را میخواهد، تا در جامعه فضای وحشت ایجاد کند و تا کارگران و زنان و جوانان را از اعتراض و مبارزه باز دارد.

دلارای جوان از زندان رشت، با نمایشگاه نقاشی های خود یکبار دیگر فریاد برمی آورد که اعدام ننگ بشری است در دو سال گذشته، کمپین نجات جان دلارا با قدرت به پیش رفته و تا همین امروز مانع اجرای حکم اعدام او شده است. امروز باید بیش از پیش برای نجات جان او تلاش کرد. این عکسها را در هر جایی که امکان دارد، نمایش دهید، به مردم در سراسر جهان بگویید که در سلولهای مرگ حکومت اسلامی زنان و مردان و کودکان زیادی، منتظر اجرای حکم اعدام هستند. به همگان بگویید که قتل عمد دولتی وحشیانه است و بویژه قتل کودکان و نوجوانان باید فوراً ملغی شود. برای نجات جان دلارا دارابی از اعدام بهر طریق ممکن اقدام کنید.

کمیته بین المللی علیه اعدام
19 اکتبر 2006

زندانی رنگها می دانید یعنی چه؟ یعنی من.
من که از چهار سالگی، زندگی ام را با رنگها تقسیم کرده بودم،
در آستانه ۱۷ سالگی آنها را گم کردم.
سرخ کبود را به جای لاجورد گرفتم و جای آسمانی، خاکستری پاشیدم
من رنگها را گم کردم و اینک
تنها چهره ای که هرروز در برابرم دیده می گشاید، دیوار است.

من دل آرا دارابی، ۲۰ ساله، متهم به قتل، محکوم به اعدام، سه سال است
که با رنگها و فرمها و واژه ها از خودم دفاع می کنم. این نقاشی ها
سوگندی است به جرمی ناکرده.
تا مگر رنگها مرا به زندگی بازگردانند.

از پشت دیوارها به شما که به دبدن نقاشی هایم آمده اید سلام و خیر مقدم می گویم.

افتتاح: جمعه ۲۸ مهرماه ۱۳۸۵ از ساعت ۸-۴ بعد از ظهر
سایر روزها: ۱۶ تا ۲۰. این نمایشگاه تا ۴ آبان برقرار است
نشانی: دروس، شهید کما سایی، شماره ۴۲، تلفن: ۲۲۵۴۱۵۸۹

Opening: Friday, Oct., 20, 2006 16:00 to 20:00
No. 42, Shaheed Kamasae st.
Exhibition Will Continue till Oct. 26
Tel : 22 54 15 89

برداشت اول

دختر مبی‌گناه است

سه سال است که هیچ‌کس در اتاق منتهی به حیاط را باز نکرده است. سه سال است که دیگر هیچ صدایی از آن اتاق بیرون نمی‌آید، حتی صدای مجادله قلم و بوم. دیگر کسی نیست تا در این خانه سرسبز، زیبایی را نقاشی کند، سه سال است که دیگر امید در این خانه نفس نمی‌کشد، سه سال است دختر چشم‌عسلی با آن دستان ظریف برای پدر خسته از راه رسیده آب نمی‌آورد و با جملات زیبایی خستگی را از تن او به در نمی‌کند، سه سال است که دل‌آرا در این خانه نیست و با خود شادی را برده است.

حادثه در يك روز زمستاني اتفاق افتاد. يك روز تلخ که آینده دخترک را سیاه کرد. دل‌آرا هرگز فکر نمی‌کرد دل سپردن به عشق پسری که آینده‌اش را با او ساخته بود به زندان ختم شود.

پدر دل‌آرا دختری که از 17 سالگی به اتهام قتل در زندان بسر می‌برد، می‌گوید: مقصر من بودم ای کاش در آن زمان اجازه می‌دادم دخترم حرف بزند، اما نه من این فرصت را به او دادم و نه دادگاه. روز حادثه خواستگار سابق دل‌آرا با من تماس گرفت و گفت دل‌آرا دخترعموم به نام مهین را به قتل رسانده است و آن پسر از من حق‌السکوت خواست، آنقدر از شنیدن این حرف عصبی و ناراحت شدم که بلافاصله بعد از ورود به خانه با پلیس 110 تماس گرفتم، به دل‌آرا گفتم خیلی سریع خودت را تسلیم کن، هرچه دل‌آرا خواست حرف بزند اجازه ندادم. يك هفته از موضوع گذشته بود که به دیدنش رفتم، دل‌آرا حاضر نشد مرا ببیند، چند بار دیگر هم رفتم اما هر بار فقط مقابل من می‌نشست و حرف نمی‌زد تا اینکه با خواهش و التماس وادارش کردم حرف بزند او پرسیدم تو قاتلی؟ جواب داد کسی را نکشته و فقط بخاطر لجبازی با من به قتل اعتراف کرده است.

من باعث شده بودم تا دخترم يك دفعه خود را تنها احساس کند و به طرف امیرحسین برود. پسری که خود را

دو برداشت از يك پرونده جنایی؛ دل‌آرا، قاتل یا

قربانی؟

روزنامه اعتماد 4 مهر 1385

صحنه قتل را بازسازی کرده‌اند، دل‌آرا پشت مقتول ایستاده و چاقو را به سمت راست بدنش وارد آورده است. بدون اینکه این مساله بررسی شود از دل‌آرا پذیرفته‌اند در صورتی که دل‌آرا چپ دست است و اگر قرار بود از پشت ضربات را وارد کند باید آن ضربات به سمت چپ مقتول وارد می‌آمد اما هیچ‌کس به این نکته توجه نمی‌کرد.

پدر دل‌آرا داغدار است، داغدار دختر عموی پیرش که کشته شده و حالا دختر جوانش متهم اصلی پرونده است. او می‌گوید: غم من سنگین‌تر از دیگران است چرا که دخترعموم فوت شده و من باید شاهد اعدام دخترم هم باشم. کدام عقلي قبول می‌کند در حادثه‌ای که يك دختر و پسر هستند ضربات را دختری 50 کیلویی و کم سن و سال وارد کند و پسر قوی‌هیکل بایستد و فقط نگاه کند. گلابه من این است که چرا به این اتهامات توجه نشده است، چرا عدم اعتراض به 10 سال حبس از سوی امیرحسین متهم ردیف دوم تعجب‌آور و سوال‌برانگیز نبوده و نیست. دل‌آرا دختری هنرمند است او نقاشی می‌کند، پیانو می‌زند و هنرهای دیگر هم دارد، چطور دختری با این روحیه می‌تواند دست به قتل پیرزنی بزند که با توجه به رابطه فامیلی علاقه‌ای به او داشته است. برای من آنچه اهمیت دارد اؤبات بی‌گناهی دخترم است نه زنده نگه‌داشتن او. دل‌آرا اگر قاتل باشد باید تاوان آن را بپردازد، اما او قاتل نیست، من شکایتم را به رییس قوه قضاییه می‌کنم و از او می‌خواهم برای اجرای عدالت، پرونده دل‌آرا را به دست قضات زبده بسپارد و دلایل و مدارکی که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است بررسی کند. امیدوارم قضات شعبه 33 دیوان عالی کشور یکبار دیگر این پرونده را به دقت مورد بررسی قرار دهند و حق دل‌آرا را به او بازگردانند تا به این ترتیب خون دخترعموم پایمال نشود.

عاشق دل‌آرا می‌خواند ولي حاضر شد او را تا پای چوبه‌دار ببرد. به گفته دل‌آرا، امیرحسین از او خواسته بود تا قتل را گردن بگیرد. این پسر در واقع دل‌آرا را گول زده و گفته بود چون او زیر 17 سال است اعدامش نمی‌کنند.

پدر دل‌آرا وقتی این حرف‌ها را می‌زند، کنترل اشک‌هایش را ندارد. او می‌گوید: اگر من آن روز فرصت حرف زدن به دخترم می‌دادم این اتفاق نمی‌افتاد و دخترم سه سال از بهترین روزهای عمرش را در زندان نمی‌گذراند. جثه نحیف دخترک حکایت از گذراندن روزهای سخت در زندان دارد. دل‌آرا هم‌اکنون 35 کیلو وزن دارد و شرایط دشواری را می‌گذراند. او به گفته پدرش بشدت افسرده شده و شرایط زندان برایش غیرقابل تحمل است.

پدر دل‌آرا می‌گوید: من اطمینان دارم که مسوولان زندان در جریان شرایط دخترم نیستند و در صورتی که از این شرایط آگاه می‌شدند به او رسیدگی بیشتری می‌کردند. عده‌ای در زندان هستند که دل‌آرا را بشدت مورد آزار قرار می‌دهند. وسایل نقاشی را از او گرفته‌اند، اجازه نمی‌دهند کتاب بخواند و مرتب او را مورد توهین و تحقیر قرار می‌دهند. دل‌آرا دختری بسیار آرام و منطقی است او حتی نمی‌توانست در خانه با خواهرانش بلند حرف بزند، چه رسد به اینکه دست به قتل بزند. دخترم بشدت لاغر شده و از اینکه هیچ‌کس به حرفش گوش نمی‌کند عذاب می‌کشد.

نکته‌ای که عبدالصمد خرمشاهی وکیل پرونده دل‌آرا بسیار بر آن تاکید و اصرار دارد این است که دل‌آرا چپ دست بوده و نمی‌توانسته ضربات را به سمت راست مقتول وارد کند، مساله‌ای که مسیر پرونده را تا حدودی تحت تأثیر قرار داد. پدر دل‌آرا می‌گوید: آن طور که امیرحسین و دل‌آرا در اولین

برداشت دوم

دل‌آرا باید قصاص شود

مگر مادرم چه گناهی داشت، چرا باید این طور بی‌رحمانه کشته می‌شد. ما فقط قصاص قاتل را می‌خواهیم. همین و بس! اینها را هاله یکی از دختران مقتول می‌گوید. هاله که مثل سه خواهر و برادرش هنوز داغدار مادر است، می‌گوید: تا به حال دل‌آرا در دو شعبه محاکمه و در هر دو هم به قصاص محکوم شده و همین مساله نشان می‌دهد او گناهکار است چطور امکان دارد دو قاضی اشتباه کنند ضمن اینکه اولین بار که حکم قصاص در دیوان عالی کشور نقض شد بخاطر بی‌گناهی دل‌آرا نبود بلکه قضات بخاطر نبودن يك برگه در پرونده آن را دوباره به دادگاه فرستادند و آن موقع بود که گفتند چون دل‌آرا موقع قتل کمتر از 18 سال داشت باید پرونده به دادگاه اطفال ارجاع شود اما قاضی جاویدنیا قاضی دادگاه اطفال هم دل‌آرا را به قصاص محکوم کرد.

هاله در حالی که بغض گلویش را می‌فشارد، ادامه می‌دهد: روز حادثه وقتی وارد خانه مادرم شدیم همه جا غرق در خون بود، دیوارها، کف زمین، مادرم هم که با 21 ضربه چاقو کشته شده بود. هنوز هم آن صحنه‌های تکان‌دهنده را از یاد نبرده‌ام و نخواهم برد. قاتل مادرم باید مجازات شود تا جوانان دیگر درس عبرت بگیرند و به خود اجازه ندهند چنین اعمال فجیعی را انجام دهند.

آنچه تحمل غم مادر را برای هاله دشوارتر کرده این است که دختری که اکنون به عنوان قاتل معرفی شده از اقوام او است. من از خدا می‌خواستم که دل‌آرا قاتل نباشد چون او از بستگان ما است و قاتل بودنش باعث آبروریزی می‌شد اگر غریبه مادرم را کشته بود برای ما خیلی بهتر بود. هاله تاکید می‌کند به هیچ وجه به دنبال انتقام‌گیری نیست و فقط می‌خواهد قانون درباره قتل مادرم تصمیم بگیرد. او می‌گوید: اگر دل‌آرا همه چیز را می‌پذیرفت و بابت کاری که انجام داده عذرخواهی می‌کرد همه چیز فرق می‌کرد اما او این کار را نکرده و سعی دارد با ترفندهایی، خودش را بی‌گناه نشان دهد. من اصلا راضی به اعدام يك فرد بی‌گناه نیستم اما اگر دیوان عالی کشور هم که قضات باتجربیهی دارد حکم قصاص را تایید کند، دل‌آرا باید مجازات شود.

مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است

تصویب قطعنامه بر علیه سنگسار و اعتراض به حکم اعدام کبرا رحمانپور در کنفرانس جهانی زنان در دوسلدرف آلمان



عکس کبرا رحمانپور، او را به جمع معرفی کرد و جنبش گسترده ای را که در ایران و در دنیا برای نجات کبرا به خیابان آمده است، معرفی کرد و در مورد نحوه کار کمیته علیه اعدام برای نجات جان محکومین به اعدام به تفصیل سخن گفت.



اجرا میشد و حاضرین را سرگرم میکرد.

یکی از برنامه های هنری جالب این سه روز تقدیم کردن شعر و آهنگی بود به یک دختر فیلیپینی که در عربستان سعودی به سنگسار محکوم شده بود. زهرا بالاباق دختر جوانی بود که به یمن مبارزات گسترده از مرگ نجات یافته و اکنون یک چهره سرشناس در کشور فیلیپین است. در فوروم مینا احدی در مورد جنبش زنان در کشورهای اسلام زده این آهنگ اجرا شد و سی دی آن به هیئت شرکت کننده در کنفرانس اهدا شد.

سخنرانی مینا احدی در روز یکشنبه و ارائه گزارش از فوروم جنبش زنان در کشورهای اسلام زده، همراه شد با تصویب قطعنامه علیه سنگسار و محکومیت احکام سنگسار ۱۳ نفر در ایران و سومالی دو قطعنامه دیگر در باره لغو آپارتاید جنسی در ایران و جبهه سوم نیز به تایید این کنفرانس رسید.

در این کنفرانس طومار اعتراض به آپارتاید جنسی در ایران به امضا صدها نفر رسید و همچنین طومار اعتراضی به حکم اعدام کبرا رحمانپور را صدها نفر امضا کردند.

میز کتابی که از سوی فعالین کمیته علیه اعدام و سازمان آزادی زن در محل برپا شده بود، مزین به عکس کبرا رحمانپور و فعالیتهای جنبش جهانی علیه اعدام و جنبش اعتراض به حکم اعدام کبرا رحمانپور بود و توجه های زیادی را بخود جلب میکرد. نامه کبرا رحمانپور و نامه پدر او وسیعاً در بین مردم پخش شد. مینا احدی که از طرف کمیته بین المللی علیه سنگسار به این کنفرانس دعوت شده بود، در فوروم خود با بالا گرفتن

روزهای جمعه تا یکشنبه ۱۳ تا ۱۵ اکتبر، شهر دوسلدرف آلمان شاهد برگزاری یک کنفرانس جهانی و بزرگ زنان بود. در این کنفرانس از ۱۸ کشور جهان نمایندگانی حضور داشتند و در باره موقعیت زنان و معضلات آنها و همچنین مبارزات زنان برای یک زندگی بهتر صحبت کرده و به جمع ۱۷۰۰ نفر حاضرین در این مجمع گزارش میدادند.

از طرف سازمان آزادی زن و کمیته بین المللی علیه سنگسار و کمیته علیه اعدام هیئتی در این مجمع سه روزه حضور یافت که در برنامه های متعدد روزهای جمعه و شنبه و یکشنبه سخنرانی های متنوعی را انجام دادند.

در روز جمعه آذر ماجدی و روزهای شنبه و یکشنبه مینا احدی و نسرین رضاعلی سخنرانی کردند.



روز یکشنبه، کنفرانس قطعنامه ای را تصویب کرد که در آن قانون سنگسار بشدت محکوم شده و شرکت کنندگان در این مجمع خواهان لغو فوری قانون وحشیانه سنگسار شده و در ادامه خواهان لغو فوری احکام سنگسار ۷ زن در ایران و شش زن و مرد در سومالی شده بودند.

در بخش سفری به دنیای زنان، مهمانان زیادی از آسیا و آفریقا و امریکای لاتین و از خاورمیانه دعوت شده بودند و در مورد معضلات زنان سخنرانی کردند. سپس کنفرانس در ۱۷ فوروم مختلف به بررسی موضوعات متعددی در چهار ساعت وقت فوروم ها پرداخته و نتیجه را در روز یکشنبه به جمع حاضرین ارائه داد.

در خلال برنامه ها مجموعه برنامه های متنوع هنری اجرا میشد و



در این کنفرانس آذر ماجدی در مورد جنبش برابری طلبانه زنان در ایران سخنرانی کرد و نسرین رضاعلی در یک فوروم در مورد خاورمیانه سخنرانی کردند. قطعنامه علیه آپارتاید جنسی و قطعنامه در دفاع از جبهه سوم در کنفرانس به تصویب حاضرین رسید.

کمیته بین المللی علیه سنگسار این کنفرانس و تصویب قطعنامه در آنرا یک گام مهم به جلو تلقی کرده و از مجموعه فعالیتهای سه روزه در کنفرانس، از امضاهای جمع آوری شده و از قطعنامه به تصویب رسیده برای نجات جان محکومین به سنگسار در ایران و سومالی استفاده خواهد کرد.

حضور در مجامع بین المللی برای عطف توجه بیشتر به معضل زنان در کشورهای اسلام زده و به معضل اعدام و سنگسار یک فعالیت مهم فعالین کمیته علیه سنگسار است که تا کنون سمپاتی و قدرت زیادی را برای نجات جان انسانها به ارمغان آورده است.

کمیته بین المللی علیه سنگسار
۱۶ اکتبر ۲۰۰۶



روز جهانی علیه اعدام در سراسر جهان روز اعلام نفرت از قتل عمد دولتی با پرتاب گل به رودخانه تایمز ، یاد قربانیان اعدامها گرامی داشته شد!



در دنیا ۱۲۹ کشور، اعدام را ملغی کرده و اعلام شده است. در ۶۸ کشور جهان اعدام کماکان جزو قوانین دولتی است.

هم اکنون در سراسر جهان ، بیست هزار نفر در سلولهای مرگ نشسته و منتظر اجرای حکم اعدام هستند.

در سال ۲۰۰۵ در ۲۲ کشور جهان ۲۱۴۸ نفر اعدام شدند. و ۵۱۸۶ نفر در ۵۳ کشور جهان به اعدام محکوم شدند.

۹۴ درصد اعدامها در ایران، چین، عربستان سعودی و آمریکا انجام گرفته است. ایران از نظر اعدام کودکان و نوجوانان در صدر لیست قرار دارد.

کمیته بین المللی علیه اعدام در روز ده اکتبر، بعد از یک دوره فعالیت فشرده برای نجات جان کبرا رحمانپور، مراسمها و برنامه هایی را در ده اکتبر در چندین کشور برپا کرد.

در مرکز شهر لندن فعالین کمیته علیه اعدام ، با پرتاب کردن گل به رودخانه تایمز و افشاگری در مورد جنایات جمهوری اسلامی ایران، این روز را گرامی داشتند. در مورد این حرکت، جلیل جلیلی از فعالین کمیته علیه اعدام در یک اطلاعیه نوشته است:

کمیته بین المللی علیه اعدام روز جهانی علیه اعدام را با افشاگری علیه جنایات جمهوری اسلامی گرامی داشت.

عصر روز دهم اکتبر پل "هانگرفورد" بر روی رودخانه تایمز لندن جلوه ای دیگر به خود گرفت. عابرین این پل، یکی پس از دیگری، با پرتاب شاخه های گل بر رودخانه تایمز لندن، حمایت خود را از خواست لغو مجازات اعدام و از جمله لغو اعدام کبری رحمانپور و

نازنین فاتحی به نمایش گذاشتند. در این آکسیون سمبلیک، که يك ساعت ادامه داشت، عکسهایی از محکومین به اعدام و لیست بلندی از اسامی اعدام شدگان در ایران بنمایش گذاشته شد و جنایات جمهوری اسلامی مورد افشاگری قرار گرفت.

در استکهلم، افسانه وحدت فعال کمیته بین المللی علیه اعدام و مهین علیپور مسول کمپین دفاع از حقوق زنان در استکهلم در برنامه ای که عفو بین الملل سازمان داده بود، سخنرانی کردند. افسانه در بخشی از گزارش این جلسه نوشته است:
سخنرانانی از کشورهای مختلف در این سمینار شرکت کرده بودند که احکام اعدام در آنها کماکان از سوی آن دولتها صادر می گردد. و هر کدام تم سخنرانی ویژه خود را داشتند.

خانم رز ماری اسک در مورد کشور نیجریه و قوانین شریعه حاکم بر این کشور صحبت کرد. از بیحقوقی زنان و قانون قصاص که در این کشور اجرا میشود و اینکه سنگسار جزو قوانین جاری این کشور است سخن گفت.

سخنران دیگری در باره اعدام در کشور چین و اینکه دولت چین چه شیوه هایی بکار میبرد که اعدامها برایش ارزان تمام شود! سخن گفت.

مهین علیپور از کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران از موارد بیحقوقی زنان و ویژگی اعدام زنان در ایران بعنوان یک مسئله مهم اجتماعی سخن گفت و اعلام کرد که متن سخنانش را به زودی چاپ خواهد کرد. وقتی نوبت من شد همان کاری را کردم که قلم می گفت، یادداشتهای درونم را خوندم! صحبتیم را با بخشی از نامه کبری رحمان پور آغاز کردم برای

برای آنکه فریاد کبرا یک لحظه مرا امان نمی دهد، برای اینکه تمامی روز و شب مرا بهم گره زده است، تمامی آن کلمات انگار از قلب من و از دهان کبرا جاری می شود!
گفتم فریاد استمداد کبری از کشوری میاید که در آن اسلام سیاسی حقوق اولیه مردم را به وحشیانه ترین شکلی زیر پا میگذارد، از کشوری که مردمش حق انتخاب لباس خود را ندارند، زنان مجبورند بر طبق قوانین اسلام حجاب داشته باشند و زیبایی های بدنشان را از نگاه مردان بپوشانند. اگر زنان حجابشان را رعایت نکنند شلاق و زندان در انتظارشان است. در ایران مردم به جرم داشتن نظر مخالف شکنجه و اعدام میشوند.

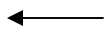
در ایران اسلامی کودکان به شدیدترین وجهی مجازات میشوند چرا که بنا به قوانین اسلام یک دختر ۹ ساله زن محسوب میشود و یک پسر ۱۵ ساله مرد، که این با کنوانسیون حقوق کودکان آشکارا در تضاد است. به همین دلیل کسانی که به نام زن یا مرد "عاقل و بالغ" اعدام میشوند طبق معیار جهان متمدن کودک اند. ایران بالاترین تعداد کودکان اعدامی در دنیا را دارد، سپس ادامه دادم: در خیر ها میشنویم که کسی در ایران به ۵۰ ضربه شلاق محکوم شده است ولی آیا هیچوقت تصور کرده اید این در عمل یعنی چه؟ در همین لحظه همان کاری را کردم که خودم می کنم.

از حاضرین خواستم لحظه ای خود را به جای دختر بچه ای بگذارند که مثلا حجاب خود را "خوب" رعایت نکرده است و او را به نیمکتی می بندند. با اولین ضربه شلاق فریادش به آسمان می رسد، با دومین ضربه اشک اش در می آید. ضربات زیادی

لازم نیست تا خون از بدنش جاری شود ولی آیا این باعث می شود که جلد از ادامه شکنجه دست بردارد؟ گفتم مجازات رابطه جنسی خارج از ازدواج در ایران سنگسار است. همین امروز هشت زن محکوم به این مجازات غیر انسانی و وحشیانه در زندان های جمهوری اسلامی در انتظار سنگسار به سر می برند. آیا به کسی که سنگسار می شود فکر کرده اید؟

من فکر کرده ام!

وقتی که ژیلای ۱۴ ساله را می خواستند سنگسار کنند. احساس می کردم خودم را تا سینه در زمین چال کرده اند و به سر و رویم از هر سو سنگ پرتاب می کنند. حس می کردم چشمانم متلاشی میشود، دیگر اعضای صورتم یکی پس از دیگری آتش و لاش می شوند. چطور میتوانیم ساکت باشیم وقتی خبر سنگسار و اعدام در جایی میشنویم؟ چطور میتوان بی تفاوت بود وقتی چنین وحشیگریهای قرون وسطایی ای در بخشی از جهان صورت میگیرد؟ حاضرین به شدت تحت تاثیر قرار گرفته بودند. در ادامه به سیاست ماشاات دول غربی با اسلام سیاسی اشاره کردم و اینکه چگونه منافع سیاسی و استراتژیک دولتها، باعث میشود دفاع از حقوق بشرشان به شعاری بی محتوی تبدیل شود و نیز اشاره کردم چگونه مردم آزادیخواه سکولار و متمدن جهان میتوانند بر



کمیته بین المللی علیه اعدام فعالانه برای لغو احکام اعدام در ایران و نجات جان محکومین به اعدام میکوشد. در این مبارزات مهم ما را یاری دهید.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۷ اکتبر ۲۰۰۶



به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل دادیم. ما همچنین در پارلمان کانادا ملاقاتهایی داشته و خواهان لغو حکم اعدام نازنین و کودکان و نوجوانان در ایران شده ایم.

لوخ بیلر رییس عفو بین الملل آلمان گفت " ایران با اعدام کودکان و نوجوانان با قوانین بین المللی و کنوانسیون حقوق کودک مقابله میکند و باید فوراً به اعدام کودکان پایان دهد."

در این مراسم هشت چوبه دار به نحو سمبلیک در خیابان گذاشته شده بود که مردم با قیچی کردن طنابها، اعتراض خود بر علیه اعدامها و اعدام کودکان و نوجوانان را بیان داشتند.

قتل عمد دولتی در ایران یک وسیله مهم ایجاد ارباب از سوی حکومت اسلامی است. این حکومت بیشرمانه کودکان و نوجوانان را نیز اعدام میکند. اعتراض به این جنایت سیستماتیک و سازمان یافته وظیفه همه انسانها است.

آمده ایم. اگر الان شبکه خود را تقویت نکنیم وقت و انرژی زیادی را از دست داده ایم.

جلسه با پرسش و پاسخ و بحث و گفتگو و تاکید به همکاری همه جانبه برای فشار آوردن بر دولتها، در فضایی صمیمی و دوستانه خاتمه یافت.
آلمان:

سازمان عفو بین الملل آلمان، امسال روز ده اکتبر، روز جهانی علیه اعدام را روز اعتراض به قتل کودکان و نوجوانان در ایران نام نهاد.

در مرکز شهر برلین، به دعوت سازمان عفو بین الملل، نازنین افشین جم فعال مدافع حقوق انسانی و ملکه زیبایی کانادا در سال ۲۰۰۳، سخنرانی کرد. در این سخنرانی که در جمع خبرنگاران و حاضرین در مرکز شهر برلین انجام گرفت. نازنین از کمپین بزرگ نجات نازنین فاتحی حرف زد و گفت:

ما بیش از دویست هزار امضا بر علیه این حکم جمع کرده ایم و این امضاها را من و مینا احدی به

سیاست های ممانعت طلبانه دولت خود اثر بگذارند و اینکه پارلمان اروپا و سازمان ملل هم از ترس کدر شدن رابطه با ایران عملاً فشاری به دولت ایران نمی آورند.

در ادامه من در مورد شیوه استثنائی کار کمیته علیه اعدام توضیحاتی دادم. اینکه چگونه ما می توانیم با زندانیان ارتباط بگیریم و تا حد زیادی از اعدامها در ایران با خبر شویم و اقداماتی برای لغو این احکام انجام دهیم. به این ترتیب خبرو عکس محکوم به اعدام را به سرعت پخش کنیم، خبر را جهانی کنیم. با خانواده و وکیل اعدامی تماس بگیریم و به این ترتیب جان بسیاری را از مرگ نجات دهیم.

در پایان از همه حاضرین که مثل خود من اشک در چشمانشان بود خواستم که این جلسه را به یک اتحاد و هماهنگی جدی برای انجام کاری و نه فقط سخنرانی بدل کنیم. تاکید کردم که من و شما برای انجام کاری که همانا متوقف کردن احکام اعدام در هر گوشه دنیاست به این کنفرانس

جنبش جهانی دفاع از کبرا رحمانپور گسترش می یابد. در ایالت توسکانی ایتالیا، روز سی نوامبر روز دفاع از کبرا رحمانپور است.

۲۰۰۰ نامه اعتراضی برای سفارت رژیم در رم ،
با امضا صدها شهردار و شخصیت های فرهنگی و سیاسی
وکیل و خانواده کبرا تقاضای مرخصی برای کبرا کردند



او در بین هزاران نفر مطرح شود. کمیته بین المللی علیه اعدام ، اقدام شورای ایالتی توسکانی و مجموعه فعالیتها در کشور ایتالیا را بسیار مهم دانسته و دست همه دست اندرکاران در ایتالیا را به گرمی می فشارد. ما روز سی نوامبر به همراه مردم ایالت توسکانی، در همه جا برای نجات جان کبرا به خیابان آمده و یکبار دیگر برای آزادی او اقداماتی را در دستور خواهیم گذاشت. برا در وضعیت جسمی و روحی بسیار وخیمی است. اینرا مادر کبرا که هفته گذشته به ملاقات او رفته بود، تاکید

شهر رم، با حضور صدها نفر و همچنین ارسال ۲۰۰۰۰ نامه اعتراضی برای سفارت جمهوری اسلامی در پایتخت ایتالیا، از جمله اقدامات گسترده ای بود که توجه های زیادی را بخود جلب کرد.

یک رادیو در رم، هر روز بخشی از وقت خود را به کبرا رحمانپور و کمپین نجات او اختصاص داده و توانسته است مباحث زیادی را روزانه در بین مردم بر علیه اعدام و بر علیه حکومت جانیان در ایران دامن بزند. این مجموعه فعالیتها باعث شده است که سمپاتی و دفاع گسترده ای از کبرا رحمانپور شده و خواست آزادی فوری

رحمانپور است که در مرکز توجه میلیونها نفر مردم ساکن این ایالت است.

قرار است روز سی نوامبر در همه شهرهای این ایالت که مرکز آن فلورانس است، مراسمها و کنفرانس هایی برگزار شود، و در مورد کمپین جهانی نجات کبرا و زندگی و موقعیت محکومین به اعدام در ایران صحبت شود.

در دو هفته گذشته، ایتالیا شاهد برگزاری میتینگها و مراسمهای متعددی در دفاع از کبرا رحمانپور بود. دو تظاهرات اعتراضی در مقابل سفارت حکومت اسلامی در

شورای ایالتی توسکانی در آخرین اجلاس خود تصمیم گرفت که سی نوامبر امسال را به نام کبرا رحمانپور نامگذاری کند. سی نوامبر روز گرامیداشت لغو حکم اعدام و منع شکنجه در این ایالت است. در سال ۱۷۷۶ در این ایالت که حودمختار بوده، حکم اعدام رسماً ممنوع و شکنجه ملغی شده است. در روز سی نوامبر هر سال مردم این ایالت، این روز را جشن گرفته و به دفاع از یک شخصیت و زندانی سیاسی و محکوم به اعدام بر میخیزند. سال گذشته این ایالت اکبر گنجی را برگزید و امسال کبرا



مصاحبه مینا احدی با رادیو فردا در مورد کنگره جهانی زنان و لغو حکم سنگسار



رادیو فردا: کنگره جهانی زنان یکی از همایشهایی است که هر دو سال یک بار در آلمان برپا می شود. و در آن نمایندگان جنبشها و سازمانهای غیر دولتی در کشورهایی که حقوق زنان نادیده و لگدمال می شود به تشریح مشکلات و نیز حرکتها و فعالیتهایشان می پردازد. در هفتمین کنگره جهانی زنان که این بار در شهر دوسلدورف آلمان برپا شده نمایندگان چند جنبش

زنان از کشورهای ایران، افغانستان، عراق و دیگر کشورهای اسلامی که در خارج فعالیت دارند گزارشی از تازه ترین حرکتهایی که توسط زنان در کشور هایشان در حال شکل گیری است ارائه داده اند. خاتم مینا احدی سرپرست کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار که در شکل گیری این کنگره نیز دست داشته است در سخنانی ضمن پرداختن به نابرابری حقوق زن و مرد در ایران از مبارزات زنان داخل ایران هم یاد کرده است. خاتم احدی با گفتگویی با به مواردی که در سخنرانی خود در کنگره دوسلدورف به آنها اشاره کرده اینطور می گوید: من در مورد مبارزات زنان در کشورهای اسلامی صحبت کردم و به طور مثال در مورد تشکلهای زنان در ایران، فعالیتها و مبارزاتی که زنان می کنند مثلا هشت مارسهای وسیع و گسترده ای که سازمان می دهند صحبت کرده ام، جنبش گسترده ای که در ایران علیه حجاب و آپارتاید جنسی هست و در دفاع از حقوق زنان، همه اینها را معرفی کرده ام. شاید یکی از صحنه های جالب این کنفرانس این بود که من یک بار عکس کبری رحمانپور را بلند کردم و گفتم در ایران چه خبر است و چه جنبش وسیعی وجود دارد علیه اعدام در ایران و می خواستم از مردم که اعتراض بکنند و کمک بکنند به ما.

رادیو فردا: خاتم احدی کنگره سه روزه جهانی زن در شهر دوسلدورف، امروز پایان گرفت در خاتمه این کنگره قطعنامه ای صادر شد. در این قطعنامه چه نوشته شده؟

مینا احدی: در قطعنامه ای که امروز در این کنفرانس بزرگ به تصویب رسید علیه سنگسار در همه دنیا صحبت شد و 1700 نفری که در این کنفرانس حضور داشتند خواهان این شدند که قانون سنگسار در همه جا لغو شود، در عین حال که این قطعنامه در مورد 7 زن محکوم به سنگسار در ایران صحبت شده و اینکه شرکت کنندگان این کنگره می خواهند فوراً حکم سنگسار این 7 نفر ملغی شود و همینطور 6 زن و مرد در سوماتالی محکوم به سنگسار شدند که شرکت کنندگان خواهان لغو حکم سنگسار این 6 نفر شدند. در این کنگره علیه آپارتاید جنسی در ایران قطعنامه ای به تصویب رسید و در دفاع از حقوق انسانی زنان و مبارزاتی که زنان در ایران می کنند تمام شرکت کنندگان با دست زدن دفاع کردند، از این قطعنامه و سمپاتی و علاقه مندی خودشان را به مبارزات زنان در ایران عملاً نشان دادند.

صدای زنی که پشت بلندگو می گوید: «کبرا رحمانپور، سالن ملاقات»

میکند. مادر کبرا میگوید، صورت کبرا کاملاً تغییر شکل داده و او از شدت لاغری و دیرسیون قیافه اش تغییر کرده است. بدلیل وخامت وضع جسمی و روحی، وکیل و خانواده کبرا تقاضای مرخصی برای وی کرده اند. و بزودی ممکن است کبرا به مرخصی بیاید.

کمپین نجات کبرا با خواست آزادی کبرا همچنان با قدرت به پیش میرود. این کمپین تا روز رهایی کبرا از زندان ادامه خواهد یافت.

کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۶ اکتبر ۲۰۰۶

تلفن تماس:

۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

www.adpi.net

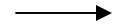
را پشت میله های زندان ببیند. تاجی می گوید: کبرا تنها دختر من است. شرایط زندگی ما به او یاد داده با مشکلات کنار بیاید. کبرا از بچگی باهوش و زرنگ بود و همیشه فکر می کردم روزی خوشبخت می شود اما نمی دانستم یک روز مجبور می شوم فقط از پشت شیشه او را ببینم. کبرا در دبیرستان همیشه شاگرد نمونه بود او در رشته علوم تجربی درس می خواند و هیچ وقت معدلش زیر 18 نیامد. بزرگ ترین آرزویش این بود که دکتر شود. حتی در کنکور هم شرکت کرد اما همان موقع بود که به خانه علیرضا رفت و دیگر نتوانست درس بخواند. روزی که کبرا 20 ساله به خانه علیرضا که آن موقع 57 سال داشت پا گذاشت مادر باز هم جشن گرفته بود و باز هم به همان امید بود که

کبرا نشسته نیز آزاد بودن معنایش را از دست داده است. مادر کبرا می گوید: در این 6 سال یک لحظه خوش هم نداشتم. شرایط کبرا در زندان خیلی سخت است. وضعیت جسمی اش اصلاً خوب نیست و خیلی لاغر شده. استرس و اضطراب هم امانش را بریده. هر چند دکترها به وضعیتش رسیدگی می کنند اما دیگر قرص های اعصاب هم جواب نمی دهد. زندان برای همه سخت است اما این بلا تکلیفی شرایط را برای کبرا سخت تر کرده. من هر هفته که به زندان می روم ذره ذره آب شدنش را می بینم.

26 سال پیش زمانی که تاجی 21 سال داشت و در خانه بی کوچک در جنوب شهر زندگی می کرد تولد تنها دخترش را به این امید جشن گرفت که زندگی او هرگز شبیه به وضعیتی که خودش داشت نشود. او هرگز تصور نمی کرد روزی مجبور شود دخترش

اعتماد گروه حوادث: صدای زنی که پشت بلندگو می گوید: «کبرا رحمانپور، سالن ملاقات» در بند نسوان زندان اوین می پیچد. عروس سیاه بخت که حالا 26 ساله شده است انگار که جانی دوباره گرفته باشد با شتاب خود را به سالن ملاقات می رساند و یک راست به کابین شمار 36 می رود. اینجا کابینی است که کبرا هر سه شنبه مادرش را پشت دیواری شیشه یی ملاقات می کند و دو گوشی قدیمی تلفن صدای آنها را به هم می رساند. 6 سال از نخستین باری که کبرا روی صندلی کابین شماره 36 نشست می گذرد و او هنوز بلا تکلیف، میان مرگ و زندگی معلق است.

تحمل زندان همیشه سخت است بویژه آنکه بدانی اینجا ایستگاه آخر است اما آن طرف دیوار شیشه یی جایی که تاجی فدای مادر 47 ساله



مرد ثروتمند سرنوشت دخترش را تغییر و او را از وضعیت بدی که داشت نجات دهد اما این آرزو هم مثل آرزوهای دیگر تاجی هیچگاه به واقعیت تبدیل نشد.

کبرا خواستگارهای زیادی داشت اما برای رسیدن به هدفش و دکتر شدن به همه آنها جواب رد داد تا اینکه حال حسین برادر معلولش بشدت خراب شد. هزینه بالای درمان و فیزیوتراپی کمر شوهرم را خم کرده بود و دیگر نمی توانستیم از پس هزینه های زندگی بر بیاییم آن موقع ما در خانه یی حدودا 70 متری با خواهر، برادر و مادرشوهرم زندگی می کردیم و به جز حسین، برادر شوهرم هم مریض و بدحال بود.

همه اینها باعث شد مسوولیت زندگی به دوش کبرا بیفتد برای همین وقتی علیرضا که ثروتمند بود به خواستگاری کبرا آمد او تصمیم گرفت جواب مثبت بدهد. آن موقع ما خیلی سعی کردیم او را منصرف کنیم اما وقتی موفق نشدیم آرزو کردم دخترم خوشبخت شود. کبرا فکر می کرد با این کار باری از دوش خانواده بر می دارد و شرایط حسین هم بهتر می شود. پیشانی نویس دخترم سیاه بود.

حرف های تاجی به اینجا که می رسد اشک در چشمانش حلقه می زند. بغض گلویش را می فشارد و بریده بریده ادامه می دهد: هنوز هم باور نمی کنم دخترم به این سرنوشت دچار شده باشد. بعضی وقت ها در تصورم کبرا را می بینم که با کیف و مقنعه سبزرنگ دوران بچگی به خانه می آید و برای پدرش غذا گرم می کند کبرا عاشق رنگ سبز بود و برای همین پدرش فرشته سبزیقا صدایش می زد. بیشتر روزها من مجبور بودم حسین را برای گفتار درمانی ببرم برای همین کبرا از وقتی از مدرسه برمی گشت کارهای خانه را انجام می داد و بعد از آن شروع می کرد به نوشتن مشق هایش حالا هر وقت که به دیدن دخترم می آیم غم و غصه را در چشماهایش می خوانم.

به گفته روانپزشکان زندان اوین عروس سیاه بخت مدتی است که دچار مشکل روانپریشی شده و امیدش به زندگی را از دست داده است. پزشکان برای بهبودی وضعیت روانی کبرا به او توصیه کرده اند لباس هایی با رنگ شاد بپوشد اما او که تا همین 6 سال پیش عاشق سبز و سبزی بود اکنون فقط لباس های سیاه و قهوه یی می پوشد. مادر کبرا می گوید: کبرا در

راضی هستند و حتی خبر دارم که از مسوولان زندان خواسته اند دخترم را در این بخش نگه دارند. دوستان کبرا که از زندان آزاد می شوند همه می گویند او دختر مهربانی است حتی آنها از اولیای دم مادرشوهر دخترم خواهش کرده اند او را ببخشند اما هنوز هیچ چیز معلوم نیست بعد از گذشت 6 سال هنوز معلوم نیست چه سرنوشتی در انتظار کبرا است آیا او که به اتهام قتل مادرشوهرش به قصاص محکوم شده سرانجام اعدام می شود یا اینکه این فرصت را پیدا خواهد کرد که بار دیگر به خانه اش برود و خاطرات روزهای سبز را تکرار کند.



زندان معاينه می شود و موقع ویزیت من نمی توانم آنجا باشم اما تا حدودی با دکترهایش در ارتباط هستم آنها از اینکه کبرا روحیه اش را از دست داده و بشدت منزوی شده خیلی نگرانند و حتی از من خواسته اند در ملاقات خاطرات خوب گذشته را برایش یادآوری کنم. من هر سه شنبه به ملاقاتش می روم و چند وقت پیش هم بعد از 6 ماه اجازه گرفتم دخترم را رو در رو ببینم و ملاقات حضوری داشته باشم اما به نظرم حال کبرا مرتب بدتر می شود او مدت ها است که تلویزیون تماشا نمی کند، خیلی کم غذا می خورد و با اطرافیان و دوستانش در زندان حرف نمی زند.

کبرا چند ماهی است که در قسمت مخابرات بند نسوان زندان اوین مشغول به کار شده و این بخش همان جایی است که پیش از این شهلا جاهد متهم به قتل همسر ناصر محمدخانی در آنجا کار می کرد. اکنون مددکاران تلاش می کنند با به کار گرفتن او در بخش مخابرات عروس سیاه بخت را به زندگی بازگردانند.

تاجی می گوید: کار در مخابرات برای کبرا به هر حال یک نوع تنوع است او را مسوول تایم گیری کرده اند تا هر زندانی به اندازه یی که حقتش است مکالمه تلفنی داشته باشد زندانیان از اینکه کبرا مسوول مخابرات شده

مجازات اعدام اسم دولتی کلمه کشتن است. افراد یکدیگر را به قتل میرسانند، اما دولتها افراد را به "اعدام" محکوم میکنند. خواست لغو اعدام و ممنوعیت قتل نفس هر دو از یکجا مایه میگیرد، مخالفت با کشتن عامدانه و آگاهانه و با نقشه قبلی کسی توسط کس دیگر. اینکه یکسوی این قتل یک دولت و یا یک مرجع فائقه سیاسی است کوچکترین تغییری در این واقعیت نمیدهد که ما با یک قتل عمد طرفیم. مجازات اعدام وقیحانه ترین و کثیف ترین شکل قتل عمد است. چون یک نهاد سیاسی، جلوی روی مردم، با اعلام قبلی، از قول جامعه، در نهایت حق بجانبی، در نهایت خونسردی، تصمیم به کشتن کسی میگیرد و روز و ساعت واقعه را هم اعلام میکند.

منصور حکمت